



گفت‌وگو با دکتر قطب‌الدین صادقی

تئاتر کودک بیشتر «کشف» است تا آموزش

○ سیامک احمدی

○ ابتدا تعریف درام را برای ما بیان کنید.

درام یک شیوه خلاقه است که به یاری بازیگران زنده، داستان را در فضا و زمانی خاص، به یاری عناصر و اشیایی در برابر دیدگان تماشاگران به نمایش درمی‌آورد و شکل می‌دهد و در لحظه، آنچه را که باید نشان می‌دهد و غالباً دارای محتوایی است که علاوه بر ارزش‌های فکری، احساسی و انسانی که در ذات خود نهفته دارد، جوهره‌ای از ارتباطات انسانی را نیز شامل می‌شود و هدف آن، برقرار کردن ارتباط بین انسان‌ها، به‌وجود آوردن نوعی زندگی فکری و روحیه جمعی یگانه در یک مجلس است.

○ درام را در نمایش‌نامه کودکان چگونه می‌بینید و چه فرقی با نمایش‌نامه‌های بزرگسال دارد و آیا اساساً فرقی بین این دو هست یا نه؟

تئاتر کودک و نوجوان به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول «تئاتر با کودکان» است. در این روش بارهای نمایشی، شیوه‌های خلاقیت، تمرین‌ها و منتهایی که به خلاقیت نمایشی منتهی می‌شود، در بین کودکان روحیه جمعی پدید می‌آورد و تخیل آنان را گسترده می‌کند و اندیشه و خردشان را فعال‌تر می‌سازد. معمولاً در این روش، کودکان زیر نظر یک مربی کارها را انجام می‌دهند و قرار هم براین نیست که حتماً این فعالیت‌ها به یک نمایش منجر شود. قرار بر این است که از روش‌های نمایشی، برای گسترش قوای ذهنی، حسی، فکری و عاطفی بچه‌ها

کمک بگیرند.

دسته دوم، تئاترهایی است که «برای کودکان» اجرا می‌شود. این تئاترها از طریق بازیگران حرفه‌ای، موضوعاتی را بررسی، انتخاب و روی آن کار می‌کنند که ارتباط کودک را با جهان عقلانی‌تر بکنند. مهم‌ترین تمی که در این نوع تئاترها وجود دارد، این است که به کودک یاد می‌دهد که چگونه برای حل مشکلاتی که برایش پیش می‌آید، از کنجکاوی و عقلش استفاده کند و مجموعه پرسش‌هایی را که در پیرامونش در جهان هستی وجود دارد، به چالش بکشاند. مهم‌ترین درسی که ارائه می‌کند، این است که به کودک بیاموزد که به واسطه خردگرایی و به یاری گسترش عقل و اندیشه، جهان را اندکی رام خویش گرداند.

در تئاتر برای کودکان، همذات‌پنداری و احساس وجود ندارد و همواره مسئله تعارض موقعیت کودک در جهان است که مطرح می‌شود و این به هر حال، موقعیت دلچسپی نیست و سراسر مخاطره است. بر همین اساس، به کودک یاد می‌دهند که برای چیره شدن بر مشکلات، می‌بایست از قدرت عقل کمک بگیرد. در این روش، اغلب مشکلات به شکل گول و دیو و چیزهایی از این نوع ظاهر می‌شوند و معمولاً کودک، توان رویارویی و جنگ تن به تن با این عناصر را ندارد و فقط به واسطه عقلش می‌تواند با آنان رو به رو شود و بر جهل و بدبختی، دشواری‌ها و ناهنجاری‌ها غلبه کند. این‌ها به نظر مهم‌ترین

درون‌مایه کار برای کودکان به شمار می‌رود و هنر نمایشی که در متن خود به این مسائل نپرداخته باشد، به نظر من در این زمینه درست کار نکرده است. مهم‌ترین ویژگی اجرایی تئاتر برای کودکان، این است که چون کودک نمی‌تواند زیاد تمرکز کند و لازم است که او را پیوسته جذب کرد، شیوه ارتباط با او می‌بایست شیوه ارتباط زنده باشد. یعنی مدام او را دعوت به شرکت در فعالیت نمایشی، از طریق کف‌زدن و عرض اندام کردن به قهرمان و کمک کردن به او در ماجرا و از این طریق، شرکت بی‌واسطه و در لحظه و زنده تماشاگر خردسال را در طی روند اجرای نمایش میسر کرد. علاوه بر این، تئاتر برای کودکان باید شاد باشد و آزادی، شور و هیجان به ارمغان آورد و از همه مهم‌تر، شیوه ارتباط با دیگران را بیاموزد. نمایش دل‌مرده، کشتار و بی‌تحرك، به درد کودک نمی‌خورد و باید بسیار پرشور باشد؛ زیرا که تن و پوست و گوشت بچه، بسیار شاداب و فعال است. او جهان را با ریتم خود می‌فهمد و بنابراین تحرك، ریتم و ضرباهنگ باید بسیار زیاد باشد و این‌ها همه از ویژگی‌های مهم دیگر است که می‌توان در این میان برشمرد.

○ یعنی به نظر شما، درام در نمایش کودک، دقیقاً کجا شکل می‌گیرد؟

کل نمایش کودک، درام است و می‌بایست ساختار دراماتیک داشته باشد و درام در نمایش‌های کودک، با ویژگی‌های خاص خود، با درام بزرگسال

فرق دارد. ارتباط دائمی با تماشاگر خردسال، او را همواره به درون نمایش می‌کشاند و در روند پیشروی نمایش و عناصر آن قرار می‌دهد. ویژگی درام برای کودکان و نوجوانان، ارتباط با عقل تماشاگر و به فعالیت درآوردن خرد تماشاگر خردسال است. جوهر فکری درام را در یک کلام، می‌توان حل مشکلات قهرمان، به یاری عقل کودک دانست.

○ آیا در نمایش‌نامه‌های کودکی که تاکنون نوشته شده، درام خاص کودک با ویژگی‌های منحصر به فردش، وجود داشته است یا نه؟

به نظر من، اغلب آن‌ها نمایش را فقط در حد چند چیز رنگارنگ، همراه با رقص و آواز و مقداری راهنمایی بهداشتی به کودک، ارائه داده‌اند. یکی از ویژگی‌های تئاتر کودک، راهنمایی تربیتی است، ولی تمام آن را شامل نمی‌شود. مهم‌ترین این ویژگی‌ها توسعه خردگرایی در نزد کودک است؛ چرا که این جوهره یک نمایش است. بعد از آن، توسعه تخیل کودک است؛ آن هم از طریق خلق فضاها و شخصیت‌های گوناگون و نامتعارف، خلق موضوعاتی که با عقلانیت ما بزرگسالان مطابقت ندارد. در جهان کودک، مرزی وجود ندارد و انسان، جماد، حیوان، گیاه همه می‌توانند حرف بزنند، همه زنده‌اند و کودک می‌تواند با استفاده از تخیل خود، با همه چیز

طریق نمایش، باید با یک زبان خاص با او صحبت کرد؟

بله، دایره لغتی که کودک می‌شناسد، وسیع نیست. شما نمی‌توانید از یک زبان بسیار فصیح، برای ارتباط گرفتن با او استفاده کنید. ضروری است که در حدود علم واژگان کودک حرکت کرد. کودک چند واژه می‌شناسد؟ دو هزار، سه هزار، پنج هزار. شما اگر یک نمایش‌نامه با ۲۵ هزار واژه بنویسید، قطعاً او توان درک آن را ندارد. او ترکیبات ادبی، جناس و غیره را درک نمی‌کند. باید با زبانی شفاف و تصاویری بسیار ساده که بار شعری کودکانه داشته باشد و مخل عقل‌گرایی و توسعه تخیل او نباشد، با کودک سخن گفت و از ذهنیت‌های بزرگسالانه کمی دوری جست و سعی کرد که بار نمادین آن بیشتر باشد. کودک، نماد را به خوبی می‌شناسد و آموزش از طریق این نمادها را بهتر پذیرا می‌شود.

○ آیا می‌توانیم با توصیفاتی که شما در مورد تئاتر کودک و ویژگی‌ها و زبان آن گفتید، تعدادی از نمایش‌نامه‌های کودک را به مرحله چاپ برسانیم و بعد از آن، آن‌ها را به دست کودک بدهیم تا آن نمایش‌نامه‌ها را بخواند و انگیزه اجرایی آن نمایش‌نامه در او پدید آید؟
به نظر من، قبل از هر چیز باید نمایش‌نامه‌ها را

در هر نمایش کودکانه، بدون استثنا باید یک یا

دو نکته اخلاقی و تربیتی - نه درس اخلاق و به معنی محافظه کاری و

به معنی اعراض از مسائل اجتماعی - به کودک آموخت.

کودک زبان غیرمستقیم تربیتی را از دل یک قصه نمایشی،

خیلی بهتر درک می‌کند تا این که بنشینیم و برای او

موعظه کنیم

ارتباط بگیرد و همه را وارد ماجرا کند. در ذهن او، هم لاک‌پشت حرف می‌زند و هم درخت، هم خرگوش حرف می‌زند و هم انسان. این تخیل بی‌کران و بی‌قید و شرط و بی‌پایان کودک، ویژگی منحصر به فرد تئاتر کودک است.

در کنار این، گسترش تخیل و برداشتن مرزها بین انسان و حیوان و غیره، عقل‌گرایی و حل مشکلات به یاری نیروی ابتکار و تخیل از مهم‌ترین ویژگی‌های این نمایش است.

البته، راهنمایی تربیتی نیز یکی از ویژگی‌های دیگر آن به شمار می‌آید. در هر نمایش کودکانه، بدون استثنا باید یک یا دو نکته اخلاقی و تربیتی - نه درس اخلاق و به معنی محافظه کاری و به معنی اعراض از مسائل اجتماعی - به کودک آموخت. کودک زبان غیرمستقیم تربیتی را از دل یک قصه نمایشی، خیلی بهتر درک می‌کند تا این که بنشینیم و برای او موعظه کنیم.

○ آیا برای ارتباط برقرار کردن با کودک از

که بتوانند تئاتر را با کودکان کار بکنند، بسیار اهمیت دارد و می‌توان به یاری تمرین‌های نمایشی، قوای فکری، عقلی و ذهنی کودک را وسعت بخشید و در این بین، فرصت خوبی است که از توان بچه‌ها برای تشکیل گروه‌های تئاتری استفاده کرد و محصول عمل را برای بچه‌های دیگر به نمایش درآورد. باید

بگوییم که این امر سال‌ها پیش اتفاق افتاده است. من ۳ سال در کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودک و نوجوان مربی بودم؛ آن هم قبل از انقلاب و نتیجه بسیار خوبی هم از کار با بچه‌ها گرفتم.

تمام این روش‌ها اگر در پایگاه‌های کانون در سراسر ایران اعمال شود، بسیار سازنده است

و می‌تواند زمینه‌ساز تفاهم، رشد تخیل، رشد قوای خلاقه ذهنی کودکان و رشد خردگرایی آن‌ها باشد. گروه‌های حرفه‌ای بزرگسال نیز می‌توانند در قالب گروه‌های نمایشی، خوراکی‌های فکری خوبی در اختیار کودکان و نوجوانان قرار دهند. از انقلاب به این سو، کارهایی که در این زمینه انجام شده، نمی‌گویم بد بوده، بلکه می‌گویم افتضاح و فاجعه بوده است. به راحتی بچه‌ها را فراموش کردند و تنها به او موعظه و نصیحت اخلاقی دادند. هیچ کتاب و نمایش چشم‌گیری ندیدم که از دل کانون، در بعد از انقلاب، برای بچه‌ها بیرون بیاید؛ مگر استثناهایی که آن‌ها هم خیلی ضعیف بوده است.

تلویزیون هم از سوی دیگر، به بدترین شکل ممکن به موضوعات بی‌خاصیت، بدون محتوا و به دور از تمامی ارزش‌های تئاتر کودک و نوجوان پرداخته است؛ آن هم با ترکیب یک خانم سخن‌گو و یک عروسک که بیشتر در مورد مسائل اخلاقی، خانوادگی و مذهبی برنامه‌هایی اجرا می‌کنند که چیز تازه‌ای به بچه‌ها نمی‌دهد و فقط تعلیم می‌دهد. در حالی که شما می‌دانید که مهم‌ترین ویژگی تئاتر کودک و نوجوان، تعلیم دادن نیست، بلکه «کشف کردن» است. در واقع، ذهن کودک را پرورش می‌دهند تا بتواند جهان را به گونه‌ای تازه‌تر ببیند و به گونه‌ای متفاوت‌تر از مدرسه و تعلیمات مستقیم آن، بهره‌مند شود. اساس تئاتر کودک و نوجوان، بر محفوظات و تعلیم یک سوپه نیست. اساس آن بر کشف مشترک و در لحظه است. به نظر من اگر مدرسه و کانون، کارهای آموزشی انجام می‌دهند، تئاتر کودک باید کار پرورشی انجام دهد. به این معنا که نیروهای بالقوه‌ای را که در کودک و نوجوان وجود دارد، پرورش دهد و آن‌ها را به نحو احسن آماده سازد تا جهان را بهتر، وسیع‌تر، پیچیده‌تر و متفاوت‌تر ببینند.

